

بررسی مقایسه‌ای میزان سازگاری دختران مدارس ابتدایی تبریز دارای مادران شاغل و غیرشاغل

دکتر سید داوود حسینی نسب

لیدا خضزلوی اقدم

چکیده

پژوهش حاضر، به منظور بررسی رابطه بین اشتغال مادران با سازگاری دختران در بین دانش‌آموزان دبستانی اجرا شده است. جامعه آماری این پژوهش را دانش‌آموزان دختر دبستانی شهر تبریز تشکیل می‌دهد که ۷۲۱۰ نفر می‌باشند و تعداد نمونه آماری ۳۸۴ نفر است که به شیوه نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای انتخاب شده‌اند. روش تحقیق از نوع همبستگی می‌باشد. در این تحقیق از دو پرسشنامه جهت تعیین اشتغال مادر و سازگاری دختران استفاده شد. جهت تأیید یا رد فرضیه‌ها از روش‌های آماری تی تست، تحلیل واریانس یک راهه و دو راهه استفاده گردید. نتایج بدست آمده نشان داد که بین اشتغال مادر و سازگاری دختران رابطه معنادار وجود دارد. بین سطح تحصیلات مادران و سازگاری دختران رابطه معنادار وجود ندارد. بین میزان رضایت مادر شاغل از کار خود و سازگاری دختران رابطه معنادار وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: اشتغال مادر^۳، سازگاری دختران مدارس ابتدایی تبریز^۴

استاد دانشگاه تبریز

دانشجوی کارشناس ارشد روانشناسی تربیتی دانشگاه تبریز

³ - Mother employment

⁴ - girl's Adjustment primary schools of Tabriz

۱. مقدمه

نگرش نسبت به کودک و تربیت او در طی قرون گذشته دچار فراز و نشیب‌های زیادی شده است. افلاطون به اهمیت آموزش و پرورش در دوران کودکی اشاره نموده، این مسأله را در سازگاری و علایق حرفه‌ای آینده کودک مهم می‌دانست. در قرن هفدهم، تحولات عمیقی در نگرش نسبت به کودکان به وجود آمد. مریبان سعی داشتند کودکان را از بزرگسالان و حتی نوجوانان جدا سازند، روش جدید در تعلیم و تربیت کودکان آغاز شد و مریبان نیز احساس منفی اخلاقی را به نگرشی مثبت درباره کودکان تغییر دادند. کوشش همه جانبه- ای برای حفظ و حراست کودکان از خشونت و فساد اخلاقی به عمل آمد. اغلب متخصصان دوران کودکی، به ویژه از تولد تا ۵-۶ سالگی را دوران پی‌ریزی شخصیت و اساسی برای رفتارهای آتی فرد می‌دانند، آنان معتقدند که شخصیت پدر و مادر و کیفیت رفتار آنان بیش از هر عامل دیگری در تکوین شخصیت طفل اثر می‌گذارد. والدین اولین کسانی هستند که در آینه حساس ضمیر کودک نقش می‌آفرینند. مطالعات نشان داده است که اختلافات خانوادگی و اشتباهات تربیتی و نیز بی‌اطلاعی والدین از تاثیر رفتار خود، عواملی هستند که در سرنوشت آتی کودک، سازگاریها و ناسازگاریها، خوشبختی و بدبختی او اثر می‌گذارند. روانشناسان در بیشتر سالهای قرن حاضر، بر روابط کودکان با کسانی که مراقبت از آنان را به عهده دارند، توجه کرده‌اند و این کنش‌های متقابل را اساس عمده رشد عاطفی و شناختی دانسته‌اند. ماسن و همکاران (۱۳۷۳) در صفحه ۱۴۶ کتاب می‌نویسند: «بر طبق نظر بالبی، نتیجه عمده کنش متقابل بین مادر و فرزند به وجود آوردن نوعی وابستگی عاطفی است، این ارتباط عاطفی سبب می‌شود که کودک به دنبال آسایش حاصل از وجود مادر باشد، بخصوص هنگامی که احساس ترس و ناامنی می‌کند. این وابستگی به مادر نتایج طولانی دارد. این نتایج عبارت است از فراهم آمدن سرمایه‌ای از امنیت عاطفی برای کودک و پی‌ریزی شالوده‌ی رابطه‌ی بعدی کودک با والدینش و نیز نفوذی که آنها بعداً می‌توانند در او داشته باشند.» مطالعات نشان داده است که در اغلب خانواده‌ها تأثیر مادران در خلق و خوی کودکان بیشتر از پدران است. البته دلیل این امر

شاید ناشی از آن باشد که قسمت اعظم مسؤولیت پرورش فرزند به مادر محول می‌شود، این تأثیر مادری در صورتی که به حد افراط نباشد، هیچ گونه اثر سوئی بر شخصیت کودکان به جای نمی‌گذارد. در گذشته روانشناسان تصور می‌کردند که وابستگی کودک به مادرش از آن جهت است که مادر به عنوان منبع تغذیه یکی از اساسی‌ترین نیازهای کودک را فراهم می‌کند. سلسله آزمایش‌های معروفی که توسط مارگرت هارلو بر روی میمون‌ها انجام گرفت، نشان داد که در وابستگی فرزند به مادر چیزی بیش از غذا در کار است (اتکینسون، ۱۳۷۳). تحقیقات دیگری نشان داده است که کودک تنها به سبب کارهایی که والدینش برای ارضای نیازهایش به آب، غذا، گرما و آسودگی از درد انجام می‌دهد، به آنان دلبستگی پیدا نمی‌کند بلکه مدت زمانی نیز که کودک با هر یک از والدینش می‌گذراند تعیین‌کننده‌ی کیفیت رابطه کودک با والدینش خواهد بود (همان منبع).

در سازگار شدن کودک، اولین و مهمترین عامل خانواده است. صاحب‌نظران معتقدند که از بین اعضای خانواده در تربیت و تکوین شخصیت کودک، مادر از نقش حساس‌تری برخوردار است. علت این امر شاید این باشد که از همان ابتدای تولد، کودک بیشترین کنش و واکنش‌های عاطفی خود را با مادر برقرار می‌کند. رابطه‌ی اولیه‌ی کودک و مادر بوجدآورنده‌ی هسته‌ی اصلی احساس امنیت یا عدم امنیت در کودک است. اگر این روابط نادرست باشد، احساس ناامنی و عدم اعتماد بر زندگی کودک سایه می‌افکند. بی‌توجهی‌های طولانی، بدرفتاری و محرومیت از محبت در ابتدای زندگی منجر به ناسازگاریهای موقت و گاه طولانی در کودک می‌شود. نحوه‌ی سازگاری در سنین مختلف تحت تأثیر عوامل زیادی قرار دارد و هر کدام از این عوامل بسته به شرایط خاص کودک می‌تواند تأثیرات مختلفی را در سازگاری کودک در خانه و مدرسه داشته باشد و همه‌ی مکاتب روانشناسی به نقش مهم و سرنوشت‌ساز زمان کودکی و تأثیر آن در شکل‌گیری مراحل بعدی رشد انسان تأکید کرده‌اند. مطالعه و توجه به اصول رشد و عوامل

¹ - Atkinson

مؤثر در رشد شخصیتی و اجتماعی و سازگاری کودکان در سالهای اولیه‌ی کودکی به رشد و باروری آنان در زمان بزرگسالی کمک خواهد نمود. مطالعات انجام شده توسط روانشناسان مختلف نشان داده است که در بین عوامل بسیاری که در رشد و تکامل شخصیتی، اجتماعی و سازگاری کودکان دخیل‌اند، عوامل خانوادگی نقش بارز و سرنوشت‌سازی دارند. از جمله ارتباط والدین با یکدیگر، ارتباط والدین با کودک، شیوه‌های انضباطی حاکم در خانواده، اشتغال مادر و عدم حضور تمام وقت وی در خانواده جزء مهمترین عوامل مؤثر در سازگاری کودکان (شعاری‌نژاد، ۱۳۶۲). برخی اظهار کرده‌اند که مادران به علت اشتغال در خارج از منزل از همان هفته‌های نخست که فرزندشان نیازمند برقراری ارتباطات عاطفی و حسی با آنان است، ساعتها و گاه روزها او را از تابش پرتوهای محبت یا عاطفه خود محروم می‌سازند. برخی تحقیقات نیز نشان می‌دهد که اشتغال مادر اثرات مثبتی به همراه دارد، کودکی که در خانواده‌ای زندگی می‌کند که مادر شاغل است، از افراد خارج از خانه توجه بیشتری می‌بیند و در خانه در مقایسه با سایر کودکان مسؤولیت‌های بیشتری خواهد داشت. کودکان مادران شاغل در مقایسه با کودکان مادران خانه‌دار، غالباً از سازگاری شخصیتی - اجتماعی بهتری در مدرسه برخوردارند. در مورد مفهوم جنسیت عقاید معقولانه‌تری دارند و در مورد فعالیتهای زن و مرد عقاید قالبی کمتر دارند. (هافمن ، ۱۹۸۹).

گاتفرید (۱۹۸۸) نوع شغل مادر، ثبات شغلی، ساعات کار مادر و میزان رضایتی را که از نقش خود دارد، عامل مهمی در ایجاد سازگاری بر فرزندان می‌داند. بلسکی و رونین (۱۹۸۸) معتقدند مادرانی که بیش از ۳۵ ساعت در هفته از خانه خارج می‌شوند و مشغول کارند، اثرات سوئی در فرزندان می‌گذارند. با توجه به تحقیقات اشاره شده، اشتغال مادر به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر سازگاری و ناسازگاری دختران و پسران مطرح شده است.

¹ - Hoffman

² - Gottfried

³ - Belsky & Rounin

بحث درباره اثر اشتغال مادر بر کودک با اختلاف نظرهای بسیاری همراه می‌باشد. دیدگاههای مخالف و موافق بسیاری در این باره مطرح شده و با گذشت زمان، نظرات از تحقیقات جدید اثر پذیرفته‌اند. برخی عقیده دارند مادرانی که به علت اشتغال در خارج از خانه از همان هفته‌های نخستین که فرزندشان به برقراری ارتباطات عاطفی و حسی با آنان نیاز دارند، ساعتها و گاه روزها و هفته‌ها او را از تابش پرتوهای وجود خود محروم می‌سازند و یا حضورشان فاقد کیفیت لازم است کودکانشان در یافتن حیات عاطفی متعادل دچار مشکل می‌شوند. حتی این رویدادها در خانواده کسانی که تحصیل کرده و گاه متخصص هستند نیز دیده می‌شود (موئل، ۱۳۷۹).

عنایت (۱۳۶۷) در مطالعه‌ای به تأثیر اشتغال مادر بر روابط خانوادگی در شهر شیراز پرداخته و به این نتیجه رسیده که زنانی که درآمد بیشتری دارند، بیشتر در تصمیم‌گیریها سهیم می‌شوند.

روحانی (۱۳۷۲) در پژوهشی که در مورد درجه اضطراب جدایی مادری در زنان شاغلی که اولین فرزند خود را به مهدکودک وابسته به دانشگاههای علوم پزشکی شهر تهران می‌سپارند انجام داده، به این نتایج دست یافته است که در مجموع اکثر واحدهای مورد پژوهش از درجه نسبتاً زیاد اضطراب جدایی مادری برخوردار بودند. توکلی (۱۳۷۶) در تحقیق خود دریافت که میزان سازگاری اجتماعی کودکان مادران شاغل بیش از کودکان مادران خانه‌دار است.

هاروی (۱۹۹۹) در تحقیقی طولی با عنوان تأثیرهای کوتاه مدت و بلندمدت اشتغال والدین بر کودکان به این نتیجه رسیده است که اشتغال والدین حداقل تأثیر را در تأخیر عملکردهای کودکان دارد. دلیل اصلی نگرانی و اضطراب مادرانی که خانه‌داری یا اشتغال را برای خود انتخاب نموده‌اند ممکن است این باشد که آنها نیاز دارند تا جایی که امکان دارد برای فرزندانشان وقت صرف کنند. اگرچه گالینسکی چنین گزارشی می‌کند که فقط ۱۰٪ از کودکان می‌خواستند وقت بیشتری را با مادرانشان صرف کنند. کودکان دارای مادر

¹ - Haryey

² - Galinesky

خانه‌دار، مادرانشان را حمایت‌کننده‌تر از کودکان مادر شاغل نمی‌دیدند (نقل از کپلان، ۲۰۰۰).

هاش چایلد^۲ (۱۹۹۷) در تحقیقی به این نتیجه رسیده است که مادران خانه‌داری که خود ثروتمند هستند و یا از نظر اقتصادی و مالی به وسیله شوهرانشان یا سایر وابستگان تامین می‌شوند به طریق گوناگون بیش از حد درگیر کار کودکانشان می‌شوند و الگوهای ضعیفی برای دخترانشان می‌باشند. در یک تحقیق وسیع، بارنت^۳ (۱۹۹۶) ۳۰۰ زوج ازدواج کرده (که همه خارج از خانه مشغول بوده‌اند) را مورد مطالعه قرار داد. نتیجه این تحقیق این بود خانمهایی که شغل‌های چالش برانگیز و رضایت‌بخش داشتند، بهتر با مشکلات خانه کنار آمدند. در گزارشی نیز توسط نور^۴ مطرح گردیده: خانمهایی که دارای شغل‌های نامناسب بودند و رضایت شغلی نداشتند، به طور کلی از رضایتمندی کمتری در زندگی و فشار در سطوح بالاتری داشته‌اند (به نقل از ماتلین^۵، ۲۰۰۰).

گیل و روبرتز^۶ (۱۹۹۹) در پژوهشی، ارتباط بین اشتغال مادر و پیشرفت تحصیلی و سازگاری تحصیلی را بررسی نموده‌اند، نتایج پژوهش آنها این بود که وضعیت اشتغال مادر به تنهایی اثر متفاوتی بر رشد کودکان ندارد، در عوض اشتغال مادر با رشد کودکان از طریق متغیرهای میانجی یا واسطه‌ای مرتبط است. فارل^۷ (۱۹۸۰) بنابه نتیجه پژوهش خود اعتقاد دارد مادرانی که نگرشی همخوان با کار خویش دارند، دارای کودکان با کفایت بیشتر و سازگاری بهتری در مدرسه هستند نسبت به کودکانی که نگرش مادران آنها به کار با رفتار کاری‌شان ناهمخوان است. همچنین شواهد زیادی نشان داده است که مادران شاغل دیدگاه سنتی کمتری نسبت به بچه‌داری دارند. (مک کارتی^۸، ۱۹۸۴).

¹ - Caplan

² - Hochschild, A. R.

³ - Barner

⁴ - Noor

⁵ - Matlin

⁶ - Gale & Roberts

⁷ - Farel

⁸ - Mc Carthey

آنها اضطراب جدایی کمتری از کودکانشان دارند (دامون ، ۱۹۷۷). آنها به شغل و حرفه‌شان بیشتر علاقه مند و متعهد هستند (گرین برگ و گلد برگ ، ۱۹۸۹). به هر حال به نظر اتکینسون و همکاران (۱۳۷۳) احتمال دارد کمبود تحریک فکری که از اشتغال مادر ناشی می‌شود، اثر معکوسی هم بر دختران و هم پسران داشته باشد.

با توجه به مطالب ذکر شده پژوهشگر در پی یافتن این مسأله است که اشتغال مادر چه تاثیری بر سازگاری دختران دارد؟ با پاسخ دادن به این سوال می‌توان شرایط رشد سالم کودک را فراهم کرد، زیرا والدین نقش موثری را در تربیت و رشد سازگاری کودکان دارند. مطالعات انجام شده توسط سازمان یونسکو (WHO) در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته نشان داده است که رشد روانی - اجتماعی کودکان، شدیداً تحت تاثیر رفتار والدین با فرزندان است. کودکانی که ارتباط چندانی با والدین خود ندارند و یا فرصت کافی برای بازی نداشته باشند رشد زبان، سطح هوش و مهارت‌های تحصیلی در آنها از کیفیت کمتری برخوردار است و هرچه کودک خردسال‌تر باشد، اثرات جدایی روی کودک بیشتر است. بنابراین برای اینکه احساس دل‌بستگی در کودک ایجاد شود باید صرفاً یک نفر از او حداقل در سنین پایین مراقبت کند (نقل از ماسن و همکاران، ۱۳۷۳).

هدف پژوهش حاضر تعیین میزان تفاوت سازگاری در دختران ابتدایی دارای مادر شاغل و غیر شاغل می‌باشد.

۲. فرضیه‌های تحقیق

۱. دختران مادران خانه‌دار سازگارتر از دختران مادران شاغل هستند.
۲. سازگاری دختران با توجه به سطح تحصیلات مادران آنها متفاوت است.
۳. سازگاری دختران مادران شاغل بر اساس سطح تحصیلات مادرانشان متفاوت است.

¹ - Damon

² - Green berger @ Gold berg

³ - Mussen

۴. سازگاری دختران مادران شاغل بر اساس میزان رضایت شغلی مادرانشان متفاوت است.
۵. سازگاری دختران با توجه به وضعیت اقتصادی و اجتماعی مادران متفاوت است.

۳. روش تحقیق

۱.۳. جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این تحقیق را والدین شاغل و غیرشاغل دانش‌آموزان دختر کلاسهای اول تا پنجم ابتدایی شهر تبریز که در سال تحصیلی ۸۵-۸۶ مشغول به تحصیل بودند، تشکیل می‌داد تعداد آنها ۷۲۱۰ نفر بود.

نمونه آماری و تعیین حجم نمونه

نمونه آماری در این تحقیق شامل ۳۸۴ والدین شاغل و غیرشاغل دانش‌آموزان دختر بود که از طبقه بالا، متوسط و پایین انتخاب شدند و براساس فرمول کوکران به شرح زیر محاسبه شد:

$$n = \frac{F^2 \cdot p(1-p)}{d^2} = \frac{(1.96)^2 \times 0.5(1-0.5)}{(0.05)^2} = 384.16$$

$$\frac{384.16}{7210} = 0.05$$

چون نسبت $\frac{n}{N}$ مساوی ۰/۰۵ می‌باشد، در نتیجه نیازی به تصحیح تعداد نمونه موردنظر نیست.

^۱ - اداره آموزش و پرورش تبریز

روش نمونه‌گیری

شیوه نمونه‌گیری در این تحقیق، براساس تصادفی چند مرحله‌ای می‌باشد که بطور تصادفی سه ناحیه ۲، ۳، ۴ انتخاب شدند و از بین آنها ۲ مدرسه از ناحیه ۴، ۳ مدرسه از ناحیه ۳ و ۱ مدرسه از ناحیه ۲ بطور تصادفی انتخاب گردیدند که مجموع مادران شاغل سه ناحیه انتخاب شد ۱۴۸ نفر و مجموع مادران غیرشاغل آنها ۲۵۲ نفر بودند.

۳.۲. ابزار اندازه‌گیری

برای جمع‌آوری اطلاعات از دو پرسشنامه استفاده شده است. جهت سنجش میزان سازگاری کودک از مقیاس رفتار سازشی کودک استفاده شد و دیگر اینکه جهت سنجش وضعیت اشتغال مادر و سایر عوامل مربوط به آن مانند تحصیلات مادر، میزان درآمد مادر، نگرش یا میزان رضایت مادر از کار خود، سابقه اشتغال مادر به کار خارج از خانه و علت اشتغال به کار خارج از خانه پرسشنامه‌ای تهیه شد که اطلاعات موردنیاز را جمع‌آوری می‌کرد.

مشخصات ابزار اندازه‌گیری

جهت سنجش میزان سازگاری کودک از مقیاس رفتار سازشی کودک استفاده شد، این مقیاس توسط احمدی (۱۳۶۹) در دانشگاه تربیت مدرس از روی Adaptive Behavior Inventory For Children ساخته شده است. این مقیاس از ۴۷ سوال سه گزینه‌ای تشکیل شده که به گزینه‌های آن نمرات ۰، ۱، ۲ تعلق می‌گیرد و مجموع نمرات حاصله به عنوان معیار سازگاری کودک در نظر گرفته می‌شود، حداقل و حداکثر نمره‌ای که آزمودنی می‌تواند به دست آورد ۰ تا ۹۴ است. نمرات مقیاس رفتار سازشی کودک از نیم انحراف استاندارد بالا و پایین میانگین به عنوان سازگاری ضعیف و سازگاری بالا و نمرات واقع شده در بین $\pm 0/5$ انحراف استاندارد را به عنوان سازگاری متوسط در نظر می‌گیرند.

اعتبار مقیاس رفتار سازشی کودک

اعتبار مقیاس رفتار سازشی کودک توسط سازنده مقیاس به شیوه دو نیمه کردن تست (فرد و زوج) و با استفاده از فرمول آلفای کرونباخ محاسبه شده، ضریب $0/68$ به دست آمد. پژوهشگر نیز برای بدست آوردن پایایی مقیاس، پرسشنامه را بر روی ۳۰ نفر اجرا کرد و با استفاده از روش آلفای کرونباخ پایایی مقیاس $0/65$ به دست آمد.

روش تحقیق

روش تحقیق از لحاظ نمونه وسیع، پیمایشی و با توجه به مقایسه وضعیت سازگاری می توان آن را از نوع توصیفی - مقایسه‌ای قلمداد نمود.

۴. نتایج

در بررسی حاضر با استفاده از نرم افزار آماری^۱ SPSS نسخه ویندوز ویرایش نهم با استفاده از روش‌های آمار توصیفی و آمار استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند، فرضیه اول که شامل آزمون t برای گروه‌های مستقل و تحلیل واریانس یک طرفه و دوطرفه می‌باشد. البته لازم به ذکر است که قبل از پرداختن به تحلیل نتایج براساس گفته‌های فوق با استفاده از آزمون کلموگراف - اسمیرنوف نرمال بودن داده‌های متغیر سازگاری دختران با $Z=1/282$ $p=0/75$ مورد تأیید قرار گرفته است. به منظور بررسی سطح معنی داری تفاوت میانگین سازگاری دختران در بین دو گروه مادران خانه‌دار و مادران شاغل از آزمون تی مستقل استفاده شد. نتایج نشان داد که میانگین سازگاری دختران در بین مادران خانه‌دار بالاتر از مادران شاغل بوده است که این تفاوت از لحاظ آماری معنی‌دار بوده است. به عبارت دیگر مادران خانه‌دار دختران سازگارتری نسبت به مادران شاغل داشته‌اند. نتایج حاصل در جدول ۱ ارائه شده است.

¹ - Statistical Package for Social Science (SPSS)

جدول ۱- تفاوت میانگین سازگاری دختران به تفکیک وضعیت اشتغال مادر

منغیر	وضعیت اشتغال	تعداد	میانگین	انحراف معیار	F	سطح معنی‌داری	t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
سازگاری دختران	شاغل	۱۴۸	۶۹/۰۴	۹/۳۹	۱۵/۶۴	۰/۰۰۰	۲/۶۲	۲۳۱/۶۱۷	۰/۰۰۹
	خانه‌دار	۲۵۲	۷۱/۳۳	۶/۵۴					

لازم به ذکر است که چون F همسانی واریانس‌ها از لحاظ آماری معنی‌دار بوده است از t ، درجه آزادی و سطح معنی‌داری با فرض عدم همسانی واریانس‌ها استفاده شده است. به منظور بررسی سطح معنی‌داری تفاوت میانگین سازگاری دختران بر حسب تحصیلات مادر از آزمون تحلیل واریانس یک طرف استفاده شد، نتایج حاصل نشان دادند که تفاوت میانگین سازگاری دختران به تفکیک سطح تحصیلات مادر از لحاظ آماری معنی‌دار نبوده است (جدول ۲).

جدول ۲: نتایج تحلیل واریانس سازگاری دختران به تفکیک تحصیلات مادر

منبع پراکندگی	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	درجه آزادی	F	سطح معنی‌داری
بین گروهی	۱۷۱/۲۱۱	۴۲/۸۰۳	۴	۰/۷۰۴	۰/۵۹
درون گروهی	۳۴۰۳/۶۹۹	۶۰/۸۳۷	۳۹۵		
کل	۲۴۲۰/۹۱۰	-----	۳۹۹		

و به منظور بررسی سطح معنی‌داری تفاوت میانگین سازگاری دختران مادران شاغل بر حسب تحصیلات مادر از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه استفاده شد، نتایج بدست آمده از تحلیل واریانس نشان دادند این تفاوت از لحاظ آماری معنی‌دار نمی‌باشد (جدول ۳).

جدول ۳: نتایج تحلیل واریانس سازگاری دختران به تفکیک تحصیلات مادران شاغل

منبع پراکندگی	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	درجه آزادی	F	سطح معنی‌داری
بین گروهی	۶۶۵/۲۲۸	۱۶۶/۳۰۷	۴	۱/۹۳	۰/۱۰۸
درون گروهی	۱۲۳۰۸/۵۲۹	۸۶/۰۷۴	۱۴۳		
کل	۱۲۹۷۳/۷۵۷	-----	۱۴۷		

به منظور بررسی اثر رضایت مادر از شغل خود بر سازگاری دختران، نتایج مثبت کرد که مادرانی که به شغل خود علاقه مند بودند میانگین سازگاری دخترانشان در بالاترین مرتبه، و مادرانی که به خاطر نیاز مالی و با انگیزه مستقل بودن در سر کار خود حاضر شدند، میانگین سازگاری دخترانشان در پایین‌ترین مرتبه قرار داشت و نهایتاً نتایج آزمون تحلیل واریانس یک طرفه نشان داد که این تفاوت میانگین‌ها از لحاظ آماری معنی‌دار بوده است (جدول ۴).

جدول ۴: نتایج تحلیل واریانس سازگاری دختران به تفکیک رضایت مادران شاغل

منبع پراکندگی	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	درجه آزادی	F	سطح معنی داری
بین گروهی	۸۰۵/۰۸۱	۴۰۲/۵۴۱	۲	۴/۷۹۷	۰/۰۱
درون گروهی	۱۲۱۶۸/۶۷۵	۸۲/۹۳۲	۱۴۵		
کل	۱۲۹۳۷/۷۹۷	-----	۱۴۷		

به منظور بررسی این که تفاوت معنی‌دار حاصل از تحلیل واریانس یک طرفه بین کدامیک از گروه‌ها (علاقه به شغل، نیاز مالی، مستقل بودن) قرار دارد از آزمون تعقیبی LSD استفاده شد که نتایج حاکی از این بود که بین دو گروه علاقه مند به شغل و نیاز مالی تفاوت معنی‌داری وجود دارد (جدول ۵).

جدول ۵- نتایج آزمون تعقیبی LSD

نیاز مالی	استقلال	علاقه به شغل	میانگین	
*			۷۰/۷۰	علاقه به شغل
			۶۸/۵۷	استقلال
		*	۶۴/۸۷	نیاز مالی

برای بررسی اثر تعاملی وضعیت اقتصادی مادران شاغل (درآمد ماهانه در سه گروه، تا سقف ۱۵۰ هزار تومان، بین ۱۵۰ تا ۳۰۰ هزار تومان، بالاتر از ۳۰۰ هزار تومان) و وضعیت اجتماعی مادران شاغل (براساس سطح تحصیلات در دو گروه دیپلم، زیر دیپلم و تحصیلات دانشگاهی) بر سازگاری دختران، از روش تحلیل واریانس دو سویه استفاده شده است، نتایج حاصل بر این مبتنی بود که بین هر یک از متغیرهای وضعیت اجتماعی و وضعیت اقتصادی به تنهایی با

سازگاری دختران ارتباط معنی داری وجود نداشته، ولی بین اثر تعاملی متغیرهای وضعیت اجتماعی و وضعیت اقتصادی با سازگاری دختران ارتباط معنی داری وجود داشته است (جدول ۶).

جدول ۶- نتایج تحلیل واریانس سازگاری دختران به تفکیک وضعیت اقتصادی- اجتماعی

مادران شاغل

منبع پراکندگی	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	درجه آزادی	F	سطح معنی داری
درآمدماهانه	۱۳۲/۰۹۱	۱۳۲/۰۹۱	۱	۱/۵۰۲	۰/۲۲
تحصیلات	۵۸/۲۷۰	۵۸/۲۷۰	۱	۰/۶۶۳	۰/۴۱۷
درآمد * تحصیلات	۲۸۲/۰۷۱	۲۸۲/۰۷	۱	۳/۲۰۸	۰/۰۴۵
خطا	۱۲۶۶۱/۹۸۴	۸۷/۹۳	۱۴۴	-	-
کل	۷۱۸۴۳۰	-	۱۴۸	-	-

۵. بحث و نتیجه گیری

با توجه به مبانی نظری تجربی پژوهش می‌توان گفت که زنان در جایگاه تربیت و رشد انسانی جامعه دارای نقش تعیین کننده‌ای هستند. جایگاهی که نمی‌توان کلیت آن را نادیده گرفت و هیچ قشر و گروهی جز زنان نمی‌تواند چنین مسؤولیت‌های مهم را برعهده گیرند. بنابراین تأثیر اشتغال زنان بر روی اعضا خانواده و بالاخص فرزندان، اعم از دختر و پسر، محور بسیاری از نشست‌ها و گردهمایی‌های علمی را تشکیل داده است. سؤالی که اذهان علاقه مند به این بحث را به خود معطوف نموده، این است که با توجه به افزایش نقش‌های زنان و درگیر شدن آنان با مسائل اجتماعی و اقتصادی، آیا این امر در سازگاریهای مختلف اجتماعی- عاطفی و رفتاری کودکان تأثیر خواهد گذاشت؟ روانشناسان بیشتر علاقه مندند که مطالعات پژوهش‌های خود را بر چگونگی روابط بین والدین و کودکان و تأثیری که شغل مادر بر زندگی خانوادگی می‌گذارد متمرکز کنند. موافقان با اشتغال زن معتقدند که اشتغال بر شخصیت و آگاهی زنان تأثیر دارد که نهایتاً بر روی اعضا خانواده اثر می‌گذارد. در صورتی که مادر از زندگی خود راضی باشد و احساس آرامش کند، می‌تواند خصوصیات مثبت روحی و

روانی در فرزندان ایجاد کند. رشد عاطفی و سلامت روانی کودک به خانه و محیط خانوادگی بستگی دارد. کودکان بی‌پناهی که به جای احساس لطف و مهربانی با خودکامگی و تبعیض والدین روبرو می‌شوند، افرادی حساس، زودرنج و ناسازگار خواهند بود. بنابراین والدین در برابر کودک مسؤول هستند و برای انجام مسؤولیتها باید آمادگی داشته باشند. تحقیق حاضر نشان داد که دختران مادران خانه‌دار سازگارتر از دختران مادران شاغل هستند. البته با توجه به اینکه در این پژوهش برای جمع‌آوری اطلاعات تنها از پرسشنامه استفاده شده است و از سایر روشهای جمع‌آوری اطلاعات از جمله مصاحبه با والدین و مشاهده و مصاحبه با خود کودکان استفاده نشده است، داده‌های پژوهشی در همین حد اعتبار دارد. و همچنین سن آزمودنی‌ها در این تحقیق ۷ تا ۱۱ سالگی می‌باشد بنابراین تعمیم نتایج به سایر گروههای سنی ممکن نیست. با توجه به اهمیت این مسأله که فرزندان کنونی، آینده‌سازان فردای جامعه هستند و احتیاج مبرم به مراقبت و تربیت صحیح دارند، تلاش مادران در جهت تربیت آنان می‌تواند عملاً شکوفایی هرچه بیشتر جامعه آتی را فراهم سازد پیشنهاد می‌شود کلیه سازمانها، نهادها و مؤسسات دولتی و غیردولتی در زمینه ارائه تسهیلات وامکانات از قبیل تأسیس مهدهای کودک و مراکز پیش دبستانی مجهز، صدور مرخصی-های پاره وقت جهت حضور مادران در کنار فرزندانشان و برطرف نمودن نیازهای اساسی آنها تلاش جدی به عمل آورند تا مادران شاغل با آرامش بیشتر جهت ارائه خدمات بهتر گام بردارند و فرزندان نیز از امنیت روانی بالاتری برخوردار باشند و بنا به حساسیت دوران دبستانی در رشد ذهنی، عاطفی، جسمانی و اجتماعی کودکان و تأثیر آن در آینده‌وی به مادران شاغل و خانه‌دار توصیه می‌شود که ساعات طولانی را با کودک خود سپری کنند و سعی کنند که این ارتباط از کیفیت لازم برخوردار باشد. و از آنجا که همه روزه اخبار ناگوار درباره نابسامانی‌های اخلاقی و اجتماعی به گوش می‌رسد، بهتر است برای رعایت مسائل ایمنی و همچنین نیازمندی‌های عاطفی-روانی کودکان، در صورت امکان والدین جایگزین مناسب و دلسوزی برای فرزندان بگذارند تا از آسیبهای مختلف در امان باشد و سلامت روانی آنها خدشه‌دار نگردد.

منابع:

- اتکینسون ریتا، ل و همکاران (۱۳۷۳). زمینه روانشناسی. ترجمه محمدتقی براهنی و همکاران (۱۳۷۳). تهران: انتشارات: رشد.
- احمدی، عبدالجواد (۱۳۶۹). بررسی آثار اشتغال مادر بر رشد اجتماعی و پیشرفت تحصیلی کودکان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس.
- توکلی، محمدباقر (۱۳۷۶). بررسی رابطه اشتغال مادران بر سازگاری اجتماعی عملکرد تحصیلی فرزندان آنان در مقطع ابتدایی شهرستان سنندج. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی.
- روحانی، کاملیا (۱۳۷۲). بررسی درجه اضطراب جدایی مادری در زنان شاغلی که اولین فرزند خود را به مهد کودک وابسته به دانشگاه‌های علوم پزشکی تهران می- سپارند. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علوم پزشکی ایران.
- شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۶۲). روان شناسی یادگیری. تهران: نشر: توس.
- عنایت، حلیمه (۱۳۶۷). تاثیر اشتغال مادران بر ابعاد مختلف خانواده. در استان فارس. کمیسیون امور بانوان وزارت کشور.
- قائمی، علی (۱۳۶۳). خانواده و تربیت کودک. انتشارات: امیری.
- ماسن، هنری. پاول و همکاران (۱۳۷۳). رشد و شخصیت کودک. ترجمه مهشید یاسایی (۱۹۸۵). تهران: مرکز نشر.
- موئل، آ (۱۳۷۹). بیداری وجدان در کودک ناسازگار. ترجمه محمدرضا شجاع. رضوی. نشر: آستان قدس رضوی.
- Bennett, R. C & Rivers. C (1996). She works he works. Sanfransisco: Harper Ssanfransisco.
- Belsky, J & Rounin, M (1988). Non material care in the first year of life and the security of infant parent attachment. Child development, 59. 157-167.
- Caplan, Paula, J. (2000). The new don't blame mother. Rutledge, New York London.
- Clarke & Stewart (1988). The effects of infant day care reconsidered reconsidered. Early child hood resachquartely, 3, 293-318.

- Cahse-Lansdale. P. L. & Owen. M.T. (1989). Maternal employment in in a family context: effects on infant-mother and infant – father attachments. *Child development*, 58, 150-1512.
- Damon, W (1977). *The social world of child*. Sanfransisco: joss bass.
- Desai, Schwas-Lansdale, P.L.& Michael R.T (1980). Mother or market? Effects of maternal employment on the intellectual ability of 4-year-old children. *Demography*, 26.545-561.
- Gala & Roberts. (1999). Social skills intervention for children behavior modification 17, 287-309.
- Goldberg, W.A & Greeberger. E. (1989). Work, Parenting and the socialization of children. *Development psychology*, 25. 22-23.
- Gottfried. A. E. Gottfried A. W., (1988). *Maternal employment and children's development, Longitudinal research-New York: plenum*.
- Greenberger, E. & Goldberg W. A. (1989). Belief about the consequences of maternal employment for children. *Psychology of women quarterly*: 12, 35-59.
- Harvey, E. (1999). Short – term and long – term effects of early parental employment on children of the national longitudinal survey of youth *Development psychology* vol. 32. No.2.
- Hochschild, A. R. (1997). *The time bind: when work becomes home and home becomes work*. New York. Metropolitan.
- Hoffman, L, W. (1989). Effects of maternal employment in the two-parent family, *American psychologist*, vol, 44, no. 2, 283-242.
- Matlin, M. (2000). *The psychology of women*. Earl MC peek
- Mc Carthey, K. (1984). Effects of quality of day care environment on children's language development. *Developmental psychology*, 20, 224.
- Scar, S.Landed, J. & Mc Car they, K. (1989). Child care and the family: cooperation and interaction. In j. Lend, S, scar & Gunzenhauser (Eds), *caring for children: the future of children in the United States*. pp. 1-12.